

پدرام سلطانی

در چند سال اخیر، سال‌های بی‌نظیری را پشت سر گذاردیم؛ سال‌هایی که درآمدهای کشور از محل قیمت‌های تاریخی نفت به ارقامی رسید که شاید دیگر به این زودی‌ها تکرار شدنی نباشد.

سال‌هایی که زیرساخت‌های فراهم آمده کشور در نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، آب و برق سکوی خوبی برای جهش اقتصادی کشور به وجود آورده بود؛ سال‌هایی که تغییر جهت تفکر اقتصادی کشور از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد و بازتعریف اصل ۴۴ قانون اساسی فرصتی بی‌بدیل برای رشد و بالندگی بخش خصوصی و سپردن سکان اقتصاد به مالکان واقعی آن یعنی مردم ایجاد کرده بود؛

سال‌هایی که به واسطه رشد روزافزون نیاز به انرژی در دنیا و عطش شرکت‌های بزرگ چندملیتی دنیا به سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌توانستیم به یکی از قطب‌های سرمایه‌گذاری خارجی در منابع نفت و گاز دنیا بدل شویم و از این راه ضمن جهش رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی خود معضل بیکاری را برای همیشه در کشور حل کنیم.

اما این سال‌های بی‌نظیر گذشتند و این فرصت‌ها نیز به افسوس بدل شدند. برای آنانی که اقتصاد را می‌فهمند و ارزش فرصت‌ها را می‌شناسند و نیاز کشور به عبور از وضعیت فعلی را قبول دارند، گذران بی‌حاصل این سال‌ها بسیار دردناک بود. برای آنانی که اخبار دنیا و منطقه را دنبال می‌کنند و به آن سویی آب‌ها رفت‌وآمد دارند افزایش فاصله ما با کشورهای که روزی به هیچ‌شان حساب می‌کردیم، مشهود بود.

برای آنانی که دلسوز وطن خود هستند و به ایرانی بودن خود مفتخرند کوچک شدن نقش و ارزش ایران در اقتصاد دنیا تلخ بود. برای آنانی که سرمایه زندگی خود را در ایران نهاده‌اند و امید توسعه کشور و عزت خود را در سر داشتند، روی گرداندن دنیا از تعامل با کشور ما خشم و اضطراب به همراه داشت.

بسیاری از ما نمی‌دانیم که سال‌های اخیر چه دستاورد اقتصادی برای کشور به همراه داشت.

از مصوبات بیرون از عدد سفرهای استانی، اقتصاد چه طرفی بر بست؟ از خرج‌کرد 210 میلیارد دلار پول نفت چه تحولی در کشور پدید آمد؟ از انحلال سازمان مدیریت و شوراهای عالی کشور چه گره‌ای از مدیریت کشور باز شد؟ از دستوری کردن نرخ سود بانکی و تعزیری کردن تولید و فروش چه سودی عاید کشور اعم از فقیر و غنی شد؟ بسیاری از ما پرسش‌های بسیار دیگری هم از این دست داریم که طی این ۴ سال به وجود آمدند اما پاسخی رضایت‌بخش برای آنها نمی‌یابیم.

امروز در حالی سال‌های پرفرصت را پشت سر می‌گذاریم که جهان به بحران اقتصادی نشسته است و ما که به فکر روز سخت نبودیم با جیب خالی از پول‌های گزاف نفت در سر چهارراه سرگردانی ایستاده‌ایم و فقط نظاره‌گر رفت‌وآمدها و گردهمایی‌های مکرر قدرت‌های بزرگ اقتصادی دنیا از این چهارراه هستیم و در این گردهمایی‌ها، کشورهای را می‌بینیم که روزی از ما کوچک‌تر بودند و اکنون داخل دایره اقتصادهای بزرگ دنیا هستند و ما بیرون از این دایره‌ایم و به چارچی سر این چهارراه بدل شده‌ایم.

اگر امروز به حسرت سال‌های خوب رفته، نشسته‌ایم، حق داریم؛ چون می‌فهمیم که چه چیزهایی را برای چه چیزهایی از دست دادیم. اما اگر فکر می‌کنیم روزهای آینده را باید همچنان در حسرت بنشینیم سخت در اشتباهیم. ایران روزهای بسیار سخت‌تر از این را هم به‌خود دیده است و ایرانی، همه آن سختی‌ها را پیروزمندانه پشت سر گذاشته است.

اقتصاد ایران هم وجهی از ایران بزرگ است و وجهی که ساختن آن سریع‌تر از بسیاری وجوه دیگر شدنی است. برای ساختن اقتصاد ایران نیاز به مردان این کار داریم. این مردان باید از بین مدیران لایق این کشور دستچین شوند و گرد هم آیند و با خرد جمعی و ایجاد شور و شوق در سربازان اقتصاد این کشور یعنی مدیران و متخصصان و کارگران بخش خصوصی چرخ اقتصاد را به مسیر درست آن بازگردانند. اما این کار به‌خودی خود شدنی نیست. سرگروه این مردان و مدیران آینده کشور باید توان و درایت گرد آوردن این گروه را داشته باشد و این سرگروه باید با مشارکت و همت ما انتخاب شود. دانشمندی گفته است: بهترین راه پیش‌بینی آینده، ساختن آن است.

عضو اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران